

بعضی‌ها اسم عقلانیت و عقل را می‌آورند اما منظورشان ترس، انفعال و فرار از مقابل دشمن است در حالی که فرار کردن و ترسیدن، عقلانیت نیست. ترسوها حق ندارند اسم عقلانیت را بیاورند زیرا عقلانیت به معنای محاسبه درست است. البته دشمن تلاش دارد تا معنای غلط عقلانیت را تلقین کند و برخی هم نادانسته، در داخل همان حرف دشمن را تکرار می‌کنند.

امام خامنه‌ای



فقط من مهم هستم!

صفحه ۱

ترک مخاصمه و آتش بس

نتیجه نهایی یا مقدمه ای برای صلح؟

فاطمه حسن تژاد | صفحه ۳

مذاکره، تقدیر دروغین ارز

فرزانه جعفری

صفحه ۳

۷۳۰ روز دور از خانه

محمد مهدی فراهانی

صفحه ۲

فقط من مهم هستم!

البته بیشتر باید بگویم در برابر گلوله، آنهم در خط مقدم جبهه‌ها!

نکته دوم این پرسش است که آیا تنها راه لغو جلسه به طور کلی بود؟ این دیگر چه تصمیم مضحکی است؟ آیا راه دیگری نبود. به طور مثال، آیا این امکان نبود که رییس مجلس از طریق فضای مجازی در جلسه حضور داشته باشد؟ اینگونه لغو کردن، چیزی جز سبک شمردن مسوولیت و وظایف نیست! البته این سبک شمردن و بی توجهی به مسوولیت در حسن روحانی سابقه دارد و اولین بار نیست؛ امیدوارم فراموش نکرده باشیم که در فروردین سال گذشته که چندین استان کشور دچار سیل شده بودند، تا روزها خبری از رییس جمهور نبود و تا مدت‌ها به آن استان‌ها سفر نکرد تا از آسیب‌ها و مشکلات مردم بازدید کند! گویا تفریحات نوروزی بسیار مهم‌تر بود!

در پایان باید علت اینکه چرا اول یادداشت از دهه شصت یاد کردم را به طور کامل بگویم. گرچه در اواسط یادداشت هم اشاره‌ای به آن کرده بودم. ویژگی مهم مسوولین در دهه شصت، این بود که فاصله زیادی از مردم نداشتند. رفتار آنها حین مسوولیت رفتار خاص و عجیبی نبود و حتی جلسات آنها خیلی ساده برگزار می‌شد. این نزدیکی رفتار و سبک زندگی به زندگی مردم موجب می‌شد که آنها برای مشکلات مردم اهمیت قائل شوند. نتیجه این رفتار هم مشخص است. این اهمیت قائل شدن باعث می‌شد که برای مسوولیت و وظیفه خود ارزش قائل شوند. از دل این نوع نگاه بود که رییس جمهوری در آن موقع بود که خود در میدان جنگ حضور پیدا می‌کرد. با اینکه این حضور خطرات خاص خودش را داشت. میدانم که ایجاد ارتباط بین سبک رفتار و زندگی مسوولین و رفتار چند روز پیش حسن روحانی، زنجیره‌های دور و درازی از استدلال را بوجود آورد اما حقیقت است. امثال رفتار روحانی از روی صدفه در بین مسوولین بوجود نیامده‌اند و در کوتاه مدت هم نبوده‌است! این همان دور ماندن از اصل خویش است که ذکر کردم. ریشه یابی این نوع رفتار هاست که ما را به علت اصلی رفتار رییس جمهور و دورمانده از آن اصول می‌رساند.

حکایت وضعیت فعلی دولت و به طور کلی قوای سه‌گانه در کشور، حکایت جدا ماندن از اصل خویش است. البته در اینجا منظور از "اصل خویش" سبک رفتار مسوولین از منظر امام(ره) و رهبری و همچنین آن چیزی است که بعضاً در مورد این سبک رفتار در دهه ۶۰ می‌شنویم و یا حتی در عکس‌هایی قدیمی از آن دوره می‌بینیم! حکایت عادی شدن و معمولی شدن برخی رفتار هاست! حداقل برای نویسنده این یادداشت، شنیدن اینکه حسن روحانی جلسه سران قوا را لغو کرده است، یادآور همین "دور ماندن" است. زیرا بعضی رفتارها میزان وظیفه‌شناسی و مسوولیت‌پذیری و همچنین دغدغه‌مندی مسوولین را نشان می‌دهد. اینکه چقدر مسائل مردم برایشان مهم است را نشان می‌دهد.

۱۶ مهر، خبر لغو جلسه سران قوا در رسانه‌ها منتشر شد و تحلیل‌ها و نظرهای مختلفی از آن بیرون آمد. حال این لغو کردن به چه دلیل بود؟ گویا یک روز قبل از آن، یعنی در ۱۵ مهر، رییس مجلس یعنی محمد باقر قالیباف به بیمارستان مبتلایان به کرونا رفته و از بخش بیماران کرونایی بازدید کرده بود! حال به خاطر اینکه احتمال داشت آقای قالیباف هم کرونا گرفته باشد و در جلسه سران قوا باعث ابتلای دیگر افراد من جمله رییس‌جمهور-که مشکل ریوی هم داشت- بشود، این جلسه لغو شد.

حال در این بین دو نکته را باید مورد توجه قرار داد: اول آنکه این رفتار رییس‌جمهور بشدت تعجب‌برانگیز است. از رییس‌جمهوری که اینقدر از پروتکل‌های بهداشتی و شرع و قانون و غیره صحبت می‌کند و می‌گوید که نمی‌خواهد جلوی سیل بایستد، باید پرسید که آیا این درست بود که دانش‌آموزان را در مسیر سیل قرار می‌دادیم؟ و یا کسانی که کنکور می‌دهند! همه ما خوب می‌دانیم که بعضاً در مدارس پروتکل‌های بهداشتی رعایت نمی‌شوند و در صورت باز بودن مدارس جان دانش‌آموزان در خطر است. اما دولت به این نکته بی‌توجهی می‌کند و مدارس را باز می‌کند. تازه این نکته را هم اضافه کنیم که در جلسه سران قوا-برعکس بعضی مدارس- پروتکل‌های بهداشتی به خوبی رعایت می‌شود! گویا مسوولیت‌مدیریت کشور در دوران کرونا از بازگشایی مدارس اهمیت کمتری داشت که آنها باز شدند و جلسه سران قوا لغو شد، آن هم بخاطر احتمال ابتلا به کرونا! بهتر است رییس‌جمهور یکبار دیگر دهه شصت را با خود مرور کند تا ببیند در برابر سیل ایستادن به چه معناست.



۷۳۰ روز دور از خانه

سربازان غالباً جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال می‌باشند؛ کسانی که در ابتدای زندگی بزرگسالی خود بوده و فاقد کمترین سرمایه‌ای برای شروع زندگی خود هستند. با حقوق ناچیز سربازی عمدتاً در دوران خدمت با مضیقه مالی مواجه هستند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، صرفاً دو سال از وقتشان گرفته می‌شود، در صورتی که عملاً با احتساب وقفه پیش و پس از خدمت، این روند بیش از دو سال نیز سپری خواهد شد. مطابق تجارب و اظهارات افرادی که دوران خدمت را سپری کرده‌اند، دوران آموزش خدمت به یادگیری مطالب تئوریک، عقیدتی و تسلیحاتی (آشنایی با تفنگ)، تمرین رژه نظامی، انتظار در صف‌ها و نشست‌های کلان و خرد گوناگون و حضور و غیاب‌های مکرر اختصاص داده شده است. همچنین صرف نظر از شرایط جدید زندگانی روزمره، از قبیل: تغییر زمان خواب‌بیداری، نظم، کارگروهی، مسئولیت‌پذیری و زندگی در شرایط طاقت فرسا، تعاملات انسانی و اجتماعی را به ویژه میان سربازان و مافوقان امر با چالش مواجه نموده است. تحقیر و تهدید سربازان و کاهش جایگاه آنان - از همان آغاز دوران خدمت - توسط فرماندهان ارشد و سخت‌گیری‌های ناشی از الزام آنان نسبت به رعایت نظم و ترتیب در سازوکارهای نظامی، از جمله مسائل بحرانی موجود در طی این چندین سال می‌باشد. واداشتن سربازان به انجام امور خدماتی که در شأن آنان نیست و از لحاظ حقوقی نیز جزو وظایف ایشان به شمار نمی‌آید نیز از خاطرات تلخ افراد گذارنده این دوران می‌باشد. چنین اموری مطابق آمار، آسیب‌های جسمانی، روانی و اجتماعی را برای برخی از افراد سپری‌کننده دوران خدمت به وجود آورده‌اند.

ویژگی اختصاصی دوران خدمت، قطع حداکثری ارتباط نزدیک با اعضای خانواده، محدودیت استفاده از امکانات و قابلیت‌های انسانی و اجتماعی و افزایش احتمال آسیب‌ها می‌باشد؛ موقعیتی که در شرایط سخت و سرشار از تنگنا رقم خواهد خورد. در همین زمینه، انتقادات و اعتراض‌ها مبتنی بر آن است که دو سال از زندگانی سرباز - با وجود امکان سپری شدن مفید همان دو سال در عرصه‌های غیرنظامی - بیهوده تلف خواهد شد. احتمال وقوع خطرات جانی نیز - که در طی سالیان گذشته منجر به شهادت، اسارت و جراحت سربازان شده است - بر شدت مخالفت‌ها نسبت به قانون سخت‌گیرانه سربازی خواهد افزود.

برخی برای تصحیح قانون وظیفه عمومی، راه حل اختیاری نمودن سربازی و در برابر، افزایش حقوق سربازی را مطرح نموده‌اند؛ در این صورت، افراد مناسب‌تری به محیط نظامی وارد می‌شوند و بهره‌وری نیروهای نظامی نیز افزایش می‌یابد. همچنین سیدمحسن دهنوی عضو رئیس‌مجلس شورای اسلامی طی اظهارتی در بیست و یکم مهر ۱۳۹۹، از جمع‌آوری نظرات متخصصان و ایده‌های مردمی، برای طراحی جامع جهت اصلاح ساختار فعلی سربازی خبر داد. در این پیام وی از مردم خواست که نظرات خود را - از طریق راه‌های ارتباطی موردنظر - ارسال و به انتشار این فراخوان کمک کنند.

سربازی در ایران، به خدمت سربازی عمومی گفته می‌شود که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تمام مردان بالای ۱۸ سال ایرانی - به جز مواردی که استثنا شده‌اند - را در بر می‌گیرد. گذراندن دوره سربازی برای تمامی مشمولین اجباری است و آنان ناچار پیش از پایان این دوره از انجام هرگونه خدمات دولتی و استفاده از برخی خدمات شهروندی محروم می‌شوند، مگر با ارائه مدرک "معافیت موقت".

در ابتدا مطابق ماده چهارم قانون «خدمت وظیفه عمومی»؛ مصوب سال ۱۳۶۳، مدت خدمت وظیفه عمومی در ایران ۳۰ سال بود که به چهار دوره تقسیم می‌شد: خدمت دوره ضرورت (۲۴ ماه)، دوره احتیاط (۹۶ ماه)، دوره ذخیره اول (۱۲۰ ماه) و دوره ذخیره دوم (۱۲۰ ماه). البته این قانون اجازه کاهش طول دوره ضرورت به ۱۸ ماه را در صورت مازاد بر نیاز بودن تعداد مشمولان، به شورای عالی دفاع داده بود.

تا تاریخ شانزدهم مهر ۱۳۹۹، طول خدمت وظیفه در ایران ۲۱ ماه و خدمت در مناطق محروم ۱۹ ماه و در مناطق مرزی ۱۸ ماه بود. همچنین با حذف کسری‌های مربوط به مقطع تحصیلی دانشگاهی در سال ۱۳۹۰، خدمت وظیفه از ۱۸ ماه به ۲۱ ماه افزایش یافت.

حال با صدور اطلاعیه متناسب‌سازی مدت خدمت دوره ضرورت در مناطق گوناگون خدمتی برای کارکنان وظیفه بومی و غیربومی - از سوی امیر دریادار دوم غلامرضا رحیمی‌پور، رئیس اداره سرمایه انسانی سرباز ستاد کل نیروهای مسلح - در روز شانزدهم مهر ۱۳۹۹ - مدت خدمت سربازی برای کارکنان وظیفه بومی در مناطق عادی ۲۴ ماه، در مناطق غیر درگیر، عملیاتی، محروم و بدآب و هوا ۲۱ ماه و امنیتی درگیر ۱۷ ماه می‌باشد؛ افزایش مدتی که از دو ماه بعد اجرا خواهد شد. به گفته امیر رحیمی‌پور، با عادلانه‌تر شدن خدمت - توسط این تعیین - کاهش مدت خدمت بیش از دو سوم و افزایش یک سوم از سربازان و در مجموع کاهش مدت خدمت رقم خواهد خورد!

این خبر، واکنش‌های گسترده‌ای را به ویژه از سوی قشر جوان ایرانی در پی داشت؛ زیرا که با شدیدتر شدن وضعیت اقتصادی و محدودیت درآمدزایی، مدت قانون خدمت سربازی نیز افزایش پیدا نموده و شرایط را برای پیگیری و تقویت معیشت مشمولان - به خصوص جوانان - سخت‌تر خواهد نمود. شهادت علی بیرامی و ساسان امیرخانی - از پرسنل وظیفه عمومی هنگ مرزی در آذربایجان غربی و سردشت، در درگیری با اشرار و قاچاقچیان - در هجدهم مهر ۱۳۹۹ (به فاصله دو روز پس از صدور دستور افزایش مدت خدمت سربازی)، نیز حساسیت‌ها را نسبت به تأکید بیشتر بر آسان‌سازی قانون وظیفه عمومی در کشور افزایش داد. اما با نگاهی دقیق‌تر، طولانی‌تر شدن دوران خدمت سربازی چگونه آیام زندگانی را - با وجود خاطرات تلخ و شیرین به یاد ماندنی خود - دشوار خواهد نمود؟



ترک مخاصمه و آتش بس؛ نتیجه نهایی یا مقدمه ای برای صلح؟

قره باغ- که در شرق ارمنستان و جنوب غربی جمهوری آذربایجان قرار دارد- از ابتدای قاجاریه تنشهای پر فراز و نشیبی را در طول تاریخ به خود دیده است؛ با این حال، تنشهای فعلی در درگیریهای سال ۱۹۸۸- که به قصد تغییر ترکیب جمعیتی به نفع خود شروع شد- ریشه دارد. در سال ۱۹۹۴ پروتکل بیشکک، راه حلی موقت را پیشبینی کرد با این حال بعد از ۲۶ سال تنها همین پروتکل است که وضعیت رسمی این منطقه را تعیین میکند و قرارداد صلحی حاصل نشده است.

پروتکل بیشکک یک توافقنامه ترک مخاصمه است که در ۵ می ۱۹۹۴ به امضای نمایندگان ارمنستان، جمهوری آرتساخ، آذربایجان و روسیه به نمایندگی از گروه مینسک (از سازمان امنیت و همکاری اتحادیه اروپا) درآمد. در این پروتکل اشاره شده است که به دلیل خسارت های جبران ناپذیری که ادامه مخاصمه بر مردم آذربایجان و ارمنستان گذاشته و علاوه بر آن منافع سایر کشورهای منطقه را هم درگیر کرده است، تا امضای یک توافقنامه الزام آور دیگر - که سازو کارهایی را برای (۱) عدم از سرگیری فعالیت های نظامی و خصمانه (۲) عقب نشینی نیروها از سرزمین های اشغال شده (۳) بازگشت پناهندگانی که در نتیجه درگیری از منطقه گریخته اند پیش بینی میکند- توافقنامه مذکور معتبر باشد. پس از آن طی ۲۶ سال، ۳ مرتبه- در آوریل ۲۰۱۶ و ژوئیه ۲۰۲۰ و در سپتامبر ۲۰۲۰- با حملات شدید نقض شد.

جنگ و مخاصمات مسلحانه به یکی از طرق (۱) تسلیم کامل یکی از طرفین درگیر و (یا ۲) امضای قرارداد صلح پایان می یابد. (به نقل از کاظمی، ۱۳۶۸) طی این زمان تصور میشود روش دوم از طریق الگوهای مذاکره در حال پیگیری است. الگوهای پیشنهاد شده برای دستیابی به صلح اشاره شده در پروتکل بیشکک موارد ذیل بود: (به نقل از ولی کوزهرگر کالجی، ۱۳۹۹)

(۱) الگوی مبتنی بر مشارکت نمایندگان جمهوری آذربایجان و ارمنستان با نمایندگان روسای گروه مینسک (فرانسه، روسیه و آمریکا) : که به دلیل عدم توازن میان طرفین مذاکره، این الگو مورد پذیرش جمهوری آذربایجان نبوده است زیرا پیوندهای مذهبی ارمنستان مسیحی با کشورهای گروه مینسک را تاثیرگذار میداند.

(۲) الگوی مذاکرات سه جانبه میان روسیه، ارمنستان و آذربایجان: که در آتش بس اخیر در اکتبر ۲۰۲۰ از این الگو استفاده شده است.

همچنین طرح های صلح دیگری مانند ایجاد دولت مشترک المنافع، دولت عمومی، مبادله اراضی و ... نیز برای رسیدن به قرارداد صلح پیشنهاد شده است که طی این سالها به نتیجه ملموسی نرسیده است.

به نظر میرسد به دلیل همین ناکامی ۲۶ ساله از زمان امضای پروتکل بیشکک در رسیدن به قرارداد صلح، هر از چند مدت، بازیگران برای اتمام مخاصمه روی به گزینه اول (یعنی اتمام جنگ از طریق به تسلیم درآوردن طرف مقابل) بیاورند و بنابراین ترک مخاصمه و آتش بس- که تعلیق موقت مخاصمات است- حتی اگر با گذشت زمان طولانی منجر به صلح دوفاکتو شود- به مانند قرارداد بیشکک که تصور میشود با گذشت این زمان میتواند به صلح دوفاکتو تعبیر شود- راه حل باثباتی نخواهد بود و تا امضای قرارداد صلح، ذی نفعان درگیر در این منطقه هوشیارانه باید الگوها و شیوه مذاکره را به پیش ببرند.

مذاکره، تقدیر دروغین ارز

((دولت همه توان خودش را برای تامین ارز و کالای مورد نیاز جامعه به کار برده است و لحظه ای از درد و مشکل مرد غافل نیست، در ۶ ماهه دوم شرایط از لحاظ اقتصادی بهتر می شود.))

این جملات سخنان رئیس جمهور در جلسه هیئت دولت ۲۳ مهر ۹۹ می باشد زمانی که قیمت دلار از ۳۱ هزار تومان گذشت.

دولت یازدهم در سال ۹۲ دولت را با دلار حدود ۳ هزار تومان تحویل گرفت و اکنون در حالی که قریب به یک سال دیگر از زمامداری دولت دوازدهم مانده است با ده برابر شدن قیمت دلار مواجهیم. ربیعی سخنگوی دولت این قیمت را غیرواقعی می داند و رییس کل بانک مرکزی تشدید فشارهای تحریمی و بلوکه شدن ارزهای ایران در سایر کشورها را عامل بروز این اتفاق می داند، او معتقد است بانک مرکزی اقدامات ویژه ای را برای ناکام نگه داشتن تحریم کنندگان به کار بسته است اما در هر صورت شرایط بسیار پیچیده و در حال تغییر است، ریسک این بازار خیلی بالا است و هر لحظه ممکن است اتفاقی در این بازار بیافتد.

برخی تحلیلگران بازار مالی نیز ریزش بورس و خروج سرمایه ها از بورس به سمت بازار ارز را عامل افزایش تقاضا و بالا رفتن قیمت ها می دانند و می گویند این عوامل دست به دست هم دادند تا بازار ارز شوکی دوباره را به فاصله کوتاهی از شوک قبلی تجربه نماید.

به طور کلی کارشناسان معتقدند افزایش قیمت ارز سبب افزایش تقاضا و ایجاد حباب در قیمت ها شده است و این افزایش قیمت تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله انتخابات آمریکا و آخرین تلاش های رئیس جمهور فعلی آمریکا برای تحت فشار قرار دادن اقتصاد ایران و همچنین سقوط بازار بورس و انتظارات تورمی مردم است.

اما نکته قابل توجه در میان این نابسامانی قیمت دلار، وعده های دولت معطوف به نتایج انتخابات آمریکا است که هر چند در روند افزایش جهانی قیمت دلار بی تاثیر نیست اما سبب ایجاد امید واهی و وابسته شدن کنش های داخلی به خارج از کشور می شود؛ همانطور که برخی از حامیان دولت از کاهش قیمت دلار بعد از شکست ترامپ می گویند و در تلاش هستند تا افکار عمومی را به این سمت ببرند که اگر بایتن پیروز شود شرایط اقتصادی بهبود پیدا می کند؛ مانند سال ها قبل که با وعده دلار هزار تومانی و بالا بردن ارزش پول ملی برجام را به ملت قبولاندند و کسب رای کردند. این بار اما بی اعتمادی مردم به دولت مانعی شده است بر سر راه آنکه با وعده های توخالی بتوانند حمایت مردم را مثل سال های ۹۲ و ۹۶ همراه خود داشته باشند.

کاش آقای روحانی و دولتشان در این سال آخر مسئولیتشان دست از تمسخر ملت و بازی با معیشت مردم و دادن وعده هایی گره خورده به مذاکره و ارتباط با کدخدا بردارند و در این شرایط سخت که اقتصاد جهانی تحت تاثیر ویروس منحوس کرونا قرار گرفته است کمی عمل گرایانه تر و صادقانه تر با مردم برخورد کنند تا شاید نام نیکی از ایشان به یادگار بماند.

فاطمه حسن نژاد

فرزانه جعفری